

نگاهی به مینیاتورهای چند کتاب از ایران در حوزه نسخ خطی ماتناداران ایروان

مهرداد مومنی^۱

دوران سلطنت شاه عباس اول صفوی، دوران طلایی روابط ایران با اروپاست. در این ایام، مرزهای سیاسی ایران در شرق و غرب گسترده شد و دولت به ثروت‌های فراوانی دست یافت. اصفهان در سال ۱۰۰۵ق. به عنوان پایتخت انتخاب و با زیبایی هرچه تمام تر ساخته و پرداخته شد تا بتواند با کنستانتینوپول^۲، مجلل‌ترین شهر اروپای شرقی برابری کند.



در بازار اصفهان مردمی از ملیت‌ها و ادیان مختلف وجود داشتند که برخی از آنان برای خود حجره‌هایی را در بازارهای مختلف برپا کرده و به کار تجارت مشغول بودند. با ارتباط بیشتر و آمد و شد غربیان در بازار اصفهان، به تدریج فرهنگ و هنر آنان نیز وارد این مرز و بوم شد و ایرانیان که همیشه، برخوردار با فرهنگ‌های جدید، برایشان جالب و خارق‌العاده بود، از آنها الهام گرفتند و یا به طور مستقیم از آن استفاده کردند.

در این ایام مکتب نگارگری اصفهان که از زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸ ق) پایه گذاری شده بود و بنیان هنر نقاشی ایران به شمار می‌آمد، بعلت تاکید آثار بر دوبعدی بودن و پیروی از اصول تزئینی که بیشتر به هماهنگی رنگ‌ها تاکید می‌ورزید، از هنر سه بعدی اروپایی رنگ گرفت؛ زیرا تاکید هنر غرب بر خط و نقش موثرتر خطوط، نسبت به رنگ بود. نقش خط، دیگر منحصر به

۱. دانشجوی دکترای پژوهش هنر.

۲. قسطنطنیه.



ترسیم اجسام و پیکرها نبود، بلکه خطی که با حرکات و ضربات آزاد و بدون قید و بند قلم مو ترسیم می‌شد، به عاملی برای واقعیت بخشیدن به تصاویر مبدل شد. در آثار این دوره، گرایش نقاشان ایرانی به تاکید بر هویت تصاویر، به وضوح مشاهده می‌شود.

آن چنان که می‌دانیم این مکتب

نگارگری که از سرشناسان آن استاد رضا عباسی است، از همان دوران مورد توجه بوده و در منابع داخلی و خارجی فراوانی از آن صحبت شده است.^۱

رضا عباسی که اغلب آثارش متعلق به سال‌های پس از ۱۰۲۵ ق هستند، توجه فراوانی به طبیعت داشت و طبیعت را به همان گونه که بود در آنها منعکس می‌کرد. او در زمان خود سبک و مکتبی نو را پایه گذاشت و اصول مکاتب هرات و تبریز را شکست. یکی از خصوصیات سبکی او در چهره‌پردازی، حرکات و حالات چهره‌ها و بخصوص در تک چهره هاست، که آنها را با دقت تمام به تصویر می‌کشید. صورت شخصیت‌های او نسبت به مکتب تبریز درشت تر و از برجستگی بیشتری برخوردارند. او در تصویرسازی برای داستان‌ها، به جای استفاده از صور خیالی، از شخصیت‌های زمان خود استفاده می‌کرد. رنگ در آثار رضا عباسی نقش عمده‌ای در تجسم شخصیت‌ها برعهده دارد. او برخلاف مکاتب تبریز و هرات، از پرداختن به ریزه‌کاری‌ها دور شده و بیشتر به تاکید خطوط و سایه‌پردازی روی آورده است. در نقاشی دیواری با اندازه‌های بزرگ، سبک او بیشتر به چشم می‌آید و مشخصات کار او قابل ملاحظه است. سبک او چنان مورد پسند واقع شد که بر صورت‌نگاری بر روی کاشی نیز تأثیر گذاشت و سبکی که از دوره سلجوقیان مانده بود را دگرگون ساخت. استقبال از سبک او و عمومیت یافتن آن، چنان بود که «مکتب اصفهان» در زمان شاه عباس اول با نام «رضا عباسی» مترادف شده و بیشتر نگارگران از سبک و شیوه وی پیروی کردند.

در دوره صفوی به دلیل کم شدن حمایت دربار از نگارگران، افت چشم‌گیری در تصویرگری کتب به وجود آمد. در برخی از آثار به جا مانده، تصویری از اجتماع مردم و زندگی روزمره و یا تصاویری که تنها

۱. از جمله این منابع، می‌توان آثار زیر را نام برد:

-Martin F.R. ; The Miniature Painting and Painters of Persia, India and Turkey from the 8th century; 1912; London.

-Blochet E. ; Musulman Painting XII-XVII centuries; 1929; London.

-Hubbard J. ; Ali Rizai Abbasi, Calligrapher and Painter; 1937; Ars Islamica.

-Stchoukine I. ; Les Peintures des Manuscrits de Shah Abbas Ier a la fin des Safavis; 1964; Paris.

-Robinson B.W. ; Persian Drawings from 14th trough 19th century; 1965; New York.



با چند خط منحنی ولی در کمال قدرت و زیبایی و چند رنگ یا طیف‌هایی از یک رنگ به تصویر کشیده شده، نیز به چشم می‌خورد. همچنین با توجه به تعداد افراد در یک نگاره، رنگ‌ها محدودتر شده‌اند. افزون بر نقاشی‌های کاملاً رنگی، طرح‌های مقدماتی متعدد یا مدادی یا گچ رنگی هم وجود دارد، که برخی از آنها ته رنگ مختصری داشته و بعضی نیز با تکنیک آبرنگ کار شده‌اند.

از دیگر ویژگی‌های این سبک، طیف رنگ‌های به کار گرفته شده است که انواع قهوه‌ای، زرد و ارغوانی را شامل می‌شوند. ترسیم نقوش در جهت خوشنویسی تحول یافته و درختان، صخره‌ها و پیکره‌ها حجیم‌تر شده، ترکیب‌ها وسعت یافته، تعداد شخصیت‌ها کمتر و حالت صحنه‌ها کم‌تر تحرک‌تر شده‌اند. پیکره‌ها و چهره‌ها برخلاف مکتب

قزوین (که باریک و کشیده است) پُف کرده شدند. این شیوه بوسیله نگارگران جوان‌تر مثل: محمد قاسم، محمد یوسف، افضل حسینی، محمد علی و شفیق عباسی دنبال شد و معین مصور شاگرد رضا عباسی تا حدی آن را اصلاح کرد. از مشخصات بارز این سبک، کاربرد عمامه‌های بزرگ با پر و گل است که در زمان شاه عباس رواج یافت.

پس از نگاهی گذرا به سبک نگارگری اصفهان، بررسی آثاری اهمیت دارد که در این سبک به وجود آمده و متأسفانه از کشور خارج شده و شناسایی آنها برای علاقه‌مندان در داخل کشور سخت و دسترسی به آنها دشوارتر است. متأسفانه بسیاری از این آثار چه در ایام گذشته و چه در حال حاضر، توسط افرادی نا آگاه و سودجو در راستای کسب منافع مادی به فروش رفته و از کشور خارج شده و در موزه‌ها و آرشیوهای دولتی و خصوصی نگهداری می‌شوند. موزه نسخ خطی ماتناداران شهر ابروان، پایتخت کشور ارمنستان نیز از جمله این آرشیوهاست که حدود شصت اثر در آنجا نگهداری می‌شود. متأسفانه در مورد اینکه این آثار توسط چه شخصی، در چه تاریخی و در کجا به وجود آمده‌اند، اطلاعاتی در دست نیست.



در یک مجموعه از این آثار، دو تصویر که یکی با عنوان «جوان کاتب چپ دست» و دیگری «دختر ایستاده بادبزن به دست» مشهورند، دارای یک سبک کاری هستند. این دو اثر،



شباهت زیادی به کارهای رضا عباسی دارند که با سیاه قلم کار شده‌اند. این تصاویر از جنبه گرافیک تصویری از دیگر آثار متفاوتند، چون شخصیت‌ها را بر زمینه‌ای از ابر که برگرفته از سبک ابرهای چینی^۱ است، درختان سرو صنوبر، بوته‌های گل و شاخه‌های بید، مشاهده می‌کنیم. رنگ پس زمینه، زرد روشن است و هم‌خوانی و هماهنگی با کلاه و کمربندهای زرد و قرمز اشخاص دارد.

ویژگی‌های دیگر آثار مکتب اصفهان قدرت بیان ضعیف، سردی رنگ‌های به کار رفته و عدم حرکت تصاویر است که از این جنبه با مکتب قزوین (قرن دهم) و بخصوص «سبک محمد» همانندی دارد. از این جهت به آثاری از رضا عباسی، مانند «دختری با کلاه پوستی» در مجموعه ارمیتاژ^۲، «دسته گل» در کتابخانه ملی پاریس^۳ و همچنین «نامه» می‌توان اشاره کرد.

تصویری دیگر، مربوط به جوانی است که در حال آواز خواندن است و ردایی آبی به تن دارد. این اثر دارای تمامی ویژگی‌های دهه سوم دوره سبک اصفهان است که نشانگر شور و نشاط و انرژی درونی و قدرت در بیان طرح می‌باشد. از این دیدگاه چهره «مردی با ردای زرین» ارزشمندترین اینهاست. این تصویر با آخرین کارهای رضاعباسی همانندی دارد. شچوکین^۴ درباره آنها گفته است: «در این دوران، استاد برجسته‌ترین آثار خود را آفریده است. هیچ وقت، قلم و تخته رنگ ایشان اینقدر جسارت و تا این اندازه مهارتشان درخشندگی نداشته است». مینیاتورهای «بُزچران» در ارمیتاژ، «مارگیر» در موزه ی «سالتیکف-شدرین»^۵ سن پترزبورگ و «چهره یک مرد» در موزه ارمیتاژ مربوط به این دوره اند.

بخشی از این تصاویر مربوط به موضوعات شاهنامه فردوسی است، که اولین آنها تصویری از داستان «بیژن و منیژه» است. تصاویر دارای انرژی درونی و گویایی فراوانی هستند. اندام شخصیت‌ها، طبیعت و لباسها همه الهام گرفته از سبک رضا عباسی است. تصادف رنگ‌آمیزی ظریفی داشته و از رنگ‌های ملایم به همراه آب طلا استفاده شده است. خطوط، زنده‌تر و دارای تاکیدند؛ چهره‌ها حس خاصی ندارند ولی شخصیت‌ها دارای حرکت بنظر می‌رسند.

۱. ابرهای چینی که معروف به «چی» (Chi) هستند.

2. Hermitage

3. Paris National Library

4. Stchoukine I. ; p. 108 ; Hubbard J. ; p. 286.

5. Saltikov- Shedrin Museum

۶. این تصویر دارای مشابهی است که در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود.

تصویر بعدی، صحنه ای از نبرد رستم و دیو است. این دو اثر نیز مشابهت زیادی با هم دارند و شاید کار یک نفر باشند. دیگر تصاویر این نسخه خطی از سبک اصفهان تبعیت نموده و یکی از آنها پیری را با عبای سبز نشان می‌دهد؛ یکی، جوانی سبزه دست و دیگری هم جوانی با ردای بلند است که همگی با سیاه قلم کار شده‌اند. در عناصر لباس این تصاویر، برخی از لباس‌های مدرن آن زمان فرانسه به چشم می‌خورد که نیم تنه کوتاه (پورپوان)، کلاه‌پردار، یقه‌هایی با حاشیه خز، جوراب، شلوار و آستین برگردان همراه با بالاپوش ابریشمی چینی، دستمال گردن و ... از آن جمله است.^۱ رنگ این چند تصویر دارای درخشندگی هیجان انگیزی است که در اثر تلفیق رنگ‌های متضاد و یا هماهنگ با استفاده از دو رنگ زرد و سبز برای هم خوانی با رنگ طلایی در تزیینات البسه بوجود آمده است. این ترکیب تصاویر را شکوهمندتر جلوه گر ساخته‌اند و تکنیک و کیفیت رنگ، فوق‌العاده است.

مینیاتورهای موضوعی یا مجلس نگاره‌ها، مربوط به سه نسخه خطی دیگر است. اولین آنها، یک نسخه از «خمس نظامی» است و مربوط به اواخر قرن ۱۱ ق است که با آبرنگ، قلم مو، قلم نی و رنگ آمیزی مختصری اجرا شده‌اند و زمینه تک‌رنگ آنها با گیاهان و ابرهای زرین تزیین شده‌اند که از مشخصات سبک اصفهان است. این «خمس نظامی» در سال ۱۰۹۸ ق به دست «ابن بریم الدین مقداح شیرازی» کتابت شده و دارای ۳۸ تصویر به‌همراه تذهیب است که چند صفحه سفید نیز دارد.

منظومه «خسرو و شیرین» دارای ۹ تصویر، منظومه «لیلی و مجنون» ۷ تصویر و منظومه «مخزن الاسرار» دارای یک تصویر است که آن هم تظلم خواهی پیرزن به شاه از کارگزاران است. منظومه «هفت پیکر» دارای ۱۰ و منظومه ی «اسکندرنامه» دارای ۹ تصویرند. تمامی این تصاویر از سبک اصفهانی پیروی کرده و با کارهای رضا عباسی به لحاظ سبک شباهت بسیاری دارند. خط در این تصاویر نقش بیشتری دارد و با ضخامت بیشتر و کاربرد هنرمندانه‌تر، آنها را زنده‌تر، گویاتر و به عبارتی به سه بعدی شدن، نزدیک‌تر کرده است. چهره‌ها سه رخ هستند و ابروهای باریک، چشم‌های به سبک چینی و دهان‌های کوچکی نقش بسته‌اند. دهان، چانه، بینی، گوش‌ها و ساعد به رنگ قرمز روشن و موها سیاه و مطابق معمول چهره‌ها بی‌حس‌اند. ابزار آلات همراه نیز بر مبنای واقعیات زمان در تصویر آمده‌اند. متن این مینیاتورها



1. Upton J.M. ; Notes on Persian Costumes of the 16th and 17th centuries; 1930; Metropolitan Museum Studies.



مطابق سبک، با موجوداتی مثل شیر، شتر، خرگوش، گوران و آهوان همراه اند که بیشتر بر مبنای خطوط ظاهری بدن و لحظه سکون و حرکت نقش شده‌اند.

در این آثار، رنگ‌ها به طور ملایم و با ظرافت بکار برده شده‌اند؛ کیفیت رنگ‌ها عالی و طلای مستعمل نیز از عیار خوبی برخوردار است. تصاویر با

بیان قوی و تکنیک و مهارت والایی که دارند، تماشاگر را به حیرت وامی‌دارند.

شماری دیگری از این آثار، در موزه نگهداری می‌شوند که بسیاری از آنها موضوع و مضمون خاصی ندارند، ولی از جنبه سبکی به همین دوره از نقاشی و نگارگری ایران بر می‌گردد که دارای خصوصیات این چینی هستند: زمینه یک‌رنگ، کاربرد کمتر از عناصر طبیعی، نگاه خاص به موها، لباس‌ها، پوست و هماهنگی رنگ‌ها و... در این میان تصویری از جوانی به چشم می‌خورد که در حالی که نشسته، جامی به دست گرفته است. باز هم تکنیک عالی نقاش، هماهنگی بسیار خوب رنگ و توازن کلی اثر بخوبی نمایان است.

امید است با سرمایه‌گذاری بیشتر و توجه خاص مؤسسات پژوهشی دولتی در راستای معرفی این آثار گرانبهای ایرانی که از افتخارات، فرهنگی و هنری این مردم و سرزمین به شمار می‌روند؛ بتوان گامی درست و واقعی در معرفی هنر اصیل این مرز و بوم در عرصه بین‌المللی برداشت؛ قبل از اینکه بقیه این آثار را بنام خود ثبت کنند!

از این مجموعه تصاویر، چهار تصویر مربوط به «شاهنامه‌ی بایسنقری» از شاهکارهای نگارگری ایران عهد قاجار است، دو نمونه دیگر از کارهای معروف استاد رضا عباسی است که از بزرگان سبک اصفهان بوده و دو نمونه‌ی آخر از کتاب‌های موزه‌ی ایروان برداشته شده است. هر چند که این آثار مربوط به دو دوره‌ی مختلف نگارگری ایرانی محسوب می‌شوند، ولی شباهت‌ها‌ی فراوانی بین این تصاویر وجود دارد. مشخصات این سبک را از روی نکات آمده در متن و تطبیق با این تصاویر بخوبی می‌توان تشخیص داد.